

گزارش

بازتاب گسترده انتشار گزارش منسوب به سازمان برنامه و بودجه دولت ورشکست خواهد شد؟

● شرق: گزارش سازمان برنامه و بودجه که به‌ظاهر در روز آخر دولت روحانی، یعنی ۱۱ مرداد سال ۱۴۰۰ نوشته شده است، در شبکه‌های مجازی دست‌به‌دست می‌شود و رسانه‌ها نیز به آن توجه نشان داده‌اند؛ با این‌حال سازمان برنامه و بودجه سندیت آن را تکذیب می‌کند. بحث بودجه ۱۴۰۰ خود به اندازه کافی جنجال دارد. به‌تازگی مرکز پژوهش‌های مجلس گفته است بودجه سال جاری ۳۰۰ هزار میلیارد تومان کسری خواهد داشت.

دولت جدید یا آگاهی از این مسئله، در پی جبران کسری آن برآمده و منابع درآمدی جدیدی را برای خود در نظر گرفته است؛ ازجمله بحث پارانه‌های پنهان را پیش کشیده و رقم ۱۱۰ میلیارد دلار از هزینه‌های دولت را مربوط به آن دانسته است و همچنین رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت پیشین را به خارج‌شدن از مدار اخلاق در طراحی بودجه ۱۴۰۰، به‌خصوص روزهای آخر کار متهم کرد. اما گزارش جدیدی که علنی شده است، می‌گوید بحث بحران بودجه فراتر از این رقم‌ها و سال‌هاست و سری دراز دارد. این گزارش که در آن تصریح شده است تنها نظر امور اقتصاد کلان است و الزاما نظر سازمان برنامه و بودجه نیست، در دو بخش با فرض رفع تحریم‌ها و باقی‌ماندن تحریم‌ها نوشته شده است و در هر دو حالت، تصویر دولتی ورشکسته را ترسیم می‌کند.

در مقدمه اینن گزارش آمده است: «عدم انسجام در برنامه‌ریزی و به‌کارگیری یک استراتژی نادرست در مدیریت منابع و مصارف بودجه‌ای می‌تواند عملکرد ارکان اقتصادی کشور را دچار اختلال نماید» و با اشاره به کسری بودجه می‌نویسد: «کسری بودجه‌های شدید دولت در اکثر مواقع قابلیت ایجاد نوسانات ارزی و فشارهای تورمی را دارا می‌باشد».

مطلبی که بسیار مرکز توجه مردم قرار گرفت، همین پیش‌بینی قیمت ارز بود که در سال ۱۴۰۶ با فرض وجود تحریم‌ها به رقم ۲۸۴ هزار تومان خواهد رسید و در صورت رفع تحریم در سال ۱۴۰۶ به ۵۵ هزار تومان می‌رسد.

همچنین در این گزارش در صورت تداوم تحریم‌ها، بدهی دولت به سیستم بانکی در سال ۱۴۰۰ با افزایش ۲۲درصدی به حدود ۳۱۸ هزار ملیارد تومان و در سال ۱۴۰۶ به ۷۶۸ هزار میلیارد تومان می‌رسد. میزان بدهی دولت به صندوق توسعه در صورت رفع تحریم ۴۶ هزار میلیارد تومان و در صورت تداوم تحریم ۱۴۵ هزار میلیارد تومان برآورد شده است.

اما مهم‌تر از این ارقام ترسناک، این نکته است که بنا بر برآورد این گزارش، احتمال ورشکستگی زود هنگام دولت در هر دو حالت تداوم و رفع تحریم‌ها وجود دارد: «مطابق یافته‌های گزارش، شاخص نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی برای سناریوی تداوم تحریم‌های اقتصادی در سال ۱۴۰۱ از آستانه حساسیت عبور می‌کند و مطابق استانداردهای بین‌المللی در سال ۱۴۰۳ به دلیل ناتوانی در بازپرداخت بدهی در شرایط احتمال ورشکستگی قرار می‌گیرد.

اگرچه در سناریوی رفع تحریم‌ها شرایط ورشکستگی با تأخیر رخ می‌دهد، ولی با حفظ ساختارهای کنونی و عدم تجدیدنظر اساسی در رویه خلق بدهی‌های دولت ایران، شاهد ورود بدهی دولت به احتمال ورشکستگی در سال ۱۴۰۵ حتی در سناریوی رفع تحریم‌های اقتصادی خواهیم بود».

در این گزارش همچنین آمده است: «... در شرایطی که تصویب لوایح مربوط به گروه (اف‌ای‌تی‌اف) در ایهام به سر می‌برد، خسارات بزرگ‌تری به اقتصاد کشور تحمیل می‌کند...» و همچنین در صفحه ۳۱ این گزارش ۳۸صفحه‌ای ریز ارقام بدهی تخمینی دولت آمده است؛ به این شرح که «... بدهی‌های دولت به بخش‌های مختلف در سال ۱۴۰۶ نسبت به سال ۱۳۹۹ نزدیک به ۱۱ برابر شده و به ۱۵۴۵۶ هزار میلیارد تومان می‌رسد.

افزایش بدهی مزبور تحت سناریوی تداوم تحریم‌های اقتصادی بسیار محسوس‌تر و نزدیک به ۳۸۳۹۴ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. عمده بدهی دولت به طبقه اول طلبکاران است: پیمانکاران و دارندگان اوراق دولتی که تا سال ۱۴۰۶، ۲۰ برابر می‌شود. چنانچه این برآورد صحیح باشد، اصلا خبر خوشی برای دولت‌ها نیست که همگی در شرایط کسری بودجه اقدام به فروش اوراق دولتی می‌کنند و نیز پیمانکاران دولت را به‌شدت می‌ترساند.

به‌طورکلی هم چنانچه واضح است، این گزارش چشم‌اندازی تاریک برای اقتصاد ایران پیش‌رو دارد. باید دید عکس‌العمل‌ها به این گزارش چگونه خواهد بود و آیا در مرحله تکذیب به مرحله‌ای دیگر عبور خواهد کرد یا نه.

شرق: جالش آب خوزستان به‌خودی‌خود یک بحران نبود بلکه مجموعه‌ای از مسائل آن را تبدیل به بحران کرد. مدیریت نامناسب تقاضای آب و الگوی کشت در خوزستان کمبود آب در استان را تبدیل به بحران کرد و ناهماهنگی در ارتباط با ذی‌نفعان و شفاف‌نیودن با آنها این چالش را تبدیل به بحرانی اجتماعی کرد. در موضوع مدیریت تقاضای آب، بهبود راندمان و اصلاح الگوی کشت راهکارهای اصلی هستند اما گزینه‌ها برای اصلاح و همچنین نحوه مواجهه با ذی‌نفعان بخش کمتر پرداخته‌شده در این حوزه است. در ادامه مصاحبه‌های روزنامه «شرق» و مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه درباره بحران آب خوزستان با احمد لندی، رئیس دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین به گفت‌وگو نشستیم.

آقای دکتر شما از میان ریشه‌های متعدد شکل‌گیری بحران خوزستان شامل عوامل طبیعی، مدیریت عرضه یا مدیریت تقاضای آب سهم بیشتر را به کدام عوامل می‌دهید؟ چرا خوزستان درگیر بحران آب شد؟

کلیت قضیه که احتمالا سایر دوستان هم اشاره کرده‌اند، مربوط به تغییرات اقلیمی است که اتفاق افتاده است. این یک ریشه است که به‌صورت موردی کاری برای آن نمی‌توان کرد و همه دنیا برای کاهش اثرات تغییرات اقلیمی تلاش می‌کنند. پیامد این موضوعات همین خشک سالی است و در برخی جاها نیز در قالب سیل خود را نشان می‌دهد. اما بخش مهمی از این قضیه به دخالت انسان به‌طورکلی و سپس مدیریت نامصحیح منابع آبی برمی‌گردد. ما برای مصارف و تولیداتمان از ابتدا برنامه‌ای نداشتیم و هرجا آب در دسترس بوده، اقدام به بهره‌برداری کردیم. حدود ۳۰ سال پیش در دوره صدارت آقای کلانتری استاندانی مانند استاد قیادیان درباره بهره‌برداری بی‌رویه از دشت‌های یزد و کرمان شهدار می‌دادند که منجر به افت شدید سطح آب‌های زیرزمینی می‌شود. خود آقای کلانتری هم بعدا اعتراف کرد که ما درباره بهره‌برداری از منابع آب و خودکفایی در برخی زمینه‌ها اشتباه کردیم. آورد آب رودخانه‌های استان نسبت به سال‌های پیش خیلی کم شده است، یکی از دلایل این موضوع توسعه کشاورزی در بالادست است. اگر ما به ۵۰ یا ۵۰ سال پیش برگردیم و عکس‌های ماهواره‌ای را نگاه کنیم، در اطراف رودخانه‌ها و منابع آبی تأمین‌کننده خوزستان این میزان توسعه کشاورزی و باغات را نداشتیم؛ بنابراین یکی دیگر از دلایل این است که در بالادست مصرف بسیار بالا رفته و آنها نیاز آبی خودشان را می‌خواهند تأمین کنند؛ بنابراین ما بدون توجه به داشتن یک الگوی مناسب کشت در سطح کشور این اجازه را دادیم که هرجا آب هست، کشاورزی توسعه پیدا کند. خب این منجر به شکل‌گیری مشکل برای استان‌هایی مانند اصفهان، چهارمحال‌وختیاری، خوزستان و سایر استان‌هایی که تحت تأثیر کارون هستند، شد. از آن طرف مدیریت نامصحیح ما در ایجاد صنایع آب‌بر در استان‌های کم‌آب سوی دیگر مشکل است. واقعیت آن است که آب آشامیدنی یک بهانه برای طرح‌های انتقال آب است و درواقع بخش عمده‌ای از این آب‌ها صرف صنایع فولاد می‌شود و انتقال آبی که صورت گرفته، بسیار بیشتر از منابع موردنیاز برای آب شرب است. کشاورزان ما در استان به دنبال محصولاتی هستند که ارزش‌افزوده‌اش بالا باشد. ارزش‌افزوده برنج نسبت به گندم یا سایر محصولات بسیار بیشتر است؛ بنابراین تقاضا برای کاشت چنین محصولاتی افزایش پیدا کرده است. در کنار آن فناوری و آگاهی لازم برای کشاورزان نیز خوب پیشرفت نکرد. ما در سال ۹۸ به قولی ۱۸۰ هزار هکتار و به قولی ۲۲۰ هزار هکتار برنج کشت کردیم، مسئولان تصمیم گرفتند بخشی از ضرر و زیانی که کشاورزان از سیلاب دیدند، از طریق اجازه کاشت برنج داده شود ولی این توقع کشاورز را بالا برده است و امسال حتی آب برای خوردن هم در برخی روستاها پیدا نمی‌شد، چراکه از بالادست تمام منابع صرف بهره‌برداری برای زراعت می‌شد. پس ما دو مشکل داریم؛ ابتدا کاهش آورد آب و سپس عدم توسعه محصولاتی که ارزش‌آیند کمی‌نویین. مثلا اگر همین کشت برنج به‌صورت خشکه‌کاری انجام شود که مرسوم هم هست، بر اساس تحقیقات نه‌تنها کاهش محصول نداریم بلکه در برخی اقلام افزایش محصول هم خواهیم داشت. یا مثلا در طرح ۵۵۰هزار هکتاری، محاسبات انجام‌شده برای بخش دوم (توسعه) طرح بدون ایجاد قنات‌های جدید است؛ چراکه ارتقای فناوری کشاورزی در بخش اول طرح موجب ایجاد مازاد آب خواهد شد و با همین حقهابه فعلی توسعه کشتزارها اجرا خواهد شد. وقتی آورد آب کم می‌شود و کشاورز هم نیاز دارد، از آن طرف حقهابه محیط زیست مانند تالاب‌ها کاهش پیدا می‌کند. دشت‌هایی که قبلا از منابع آبی استفاده می‌کرد و در برخی اقسام افزایش محصول مرتع می‌شد و سپس دام‌ها تغذیه می‌شدند. الان یکی از مشکلات استان خوزستان همین است که دشت‌ها حقهابه خود را دریافت نمی‌کنند. ما ۵۰ هزار هکتار کانون گردوغبار در تالاب هورالعظیم داریم که در سال ۹۸ با سیلاب وسیعی که آمد پوشش داده شده بود. از طرف دیگر ما نخیلات آبادان را داریم که دشت‌های تغییر خروجی کارون به خلیج فارس کاهش پیدا می‌کند، در مدهایی که اتفاق می‌افتد، آب خلیج فارس بازمی‌گردد و وارد جوی‌های آبیاری نخیلات می‌شود. اگرچه تلاش شده است با احداث بندها این مسئله مدیریت شود اما همچنان مشکلات خاص خود را دارد. زمانی که دبی آب کارون بالا بود، وقتی مع اتفاق می‌افتاد، همین آب کارون وارد نخیلات می‌شد اما با کاهش آورد آب کارون حجم

آب خلیج به رودخانه غلبه می‌کند. الان ما شش میلیارد مترمکعب برای کشت پاییزه نیاز داریم، درحالی‌که آب قابل‌عرضه پشت سدهای خوزستان حدود یک‌ونیم میلیارد است. مسئولان با چنگ‌و دندان در حال تلاش هستند تا با توجه به پیش‌بینی‌های بدبینانه از بارندگی، بتوانند مصرف شرب را تأمین کنند. بنابراین هر دو عامل کاهش آورد آب و مدیریت نامصحیح محصولات کشاورزی، در وضعیت بحران آب خوزستان تأثیر داشته است. مسئله کاهش آورد آب هم به تغییر اقلیم و هم مداخلات انسان در انتقال آب و احداث سدهای غیرکارشناسی در بالادست مربوط می‌شود. از طرف دیگر، شاید قبلا کشت محصولی مثل نیشکر در خوزستان توجیه داشت، اما الان این کشت مناسب خوزستان نیست و باید به فکر محصولات جایگزین بود. البته در حال حاضر صنایعی ایجاد شده، صدها هزار نفر در آن شاغل هستند و موارد مشابه که باید برای آنها هم فکری شود تا باعث از‌دست‌رفتن شغل و کاسبی افراد نشود. بنابراین مثلا کشت چغندر به‌جای نیشکر توجیه می‌شود که آن هم البته شرایط خاص خود را دارد؛ مثلا این طرف باید کارخانه قند وجود داشته باشد، سیستم‌های توسعه کارخانه نیشکر باید تغییر کند و مجموعه موارد دیگر که نشان‌دهنده ضرورت یک مدیریت جامع درباره خوزستان است.

آقایان که از صحبت‌های شما برمی‌آید، بخش عمده‌ای از راهکار مدیریت آب خوزستان، در مدیریت تقاضا نهفته است که شامل اصلاح الگوی کشت نیز می‌شود، اما مدیریت تقاضا نیازمند همراهی ذی‌نفعان برای مشارکت در طرح‌هاست، زارعان چگونه راضی می‌شوند یا طرح‌های اصلاح الگوی کشت همراهی کنند؟

همراهی ذی‌نفعان نیازمند تضمین تأمین معاش آنها است؛ یعنی زارعان باید مطمئن شوند که در طول فرایند اصلاح و پس از آن می‌توانند هزینه‌های زندگی خودشان را تأمین کنند. بنابراین مسئولان باید طرحی واقع‌بینانه برای ذی‌نفعان تهیه کنند؛ مثلا فرض کنیم کشاورزان قانع شوند به‌جای برنج، کنبج بکارند، آیا کسی هست که محصول را از آنها بخرد؟ آیا کارخانه‌ای در استان است که آن را تبدیل به فرآورده‌های مورد نیاز مصرف‌کنندگان کند؟ آیا مثل سایر محصولات همچون سیب‌زمینی و گوجه روی دستشان نمی‌ماند؟ بله ایسن قابل انجام است، به شرط اینکه این ضمانت‌ها در کار انجام شود و کشاورز بداند سال آینده می‌تواند دوباره محصول خود را بکارد. اگر اراده سیاسی باشد، قاعدتا این قابل اجراست؛ چراکه این موضوع نیازمند تضمین است. این تضمین‌ها شاید نیازمند مصوبات مجلس یا هیئت دولت باشد که اینها باید تأمین شود. این الگوی کشت نه‌تنها برای خوزستان، بلکه برای کل کشور باید تهیه شود. اگر چنین الگویی وجود داشته باشد، ما شاهد ازبین‌رفتن محصولات در مزارع نخواهیم بود... ازجمله مواردی که وزیر جهاد کشاورزی به آن اشاره می‌کند، کشت سفارشی است. در این شیوه مثلا کارخانه‌های رب استان می‌گویند ما ۱۰ هزار هکتار گوجه می‌خواهیم، مسئولان جهاد کشاورزی در این فرایند وظیفه ایجاد هماهنگی میان کارخانه‌ها، کشاورزان، سردخانه‌ها و... را در سطح محلی دارند. کارخانه‌ها نیز باید تضمین‌هایی ارائه کنند که محصولا با قیمت و با شرایط مناسب خریداری شود. سه ضلع کشت سفارشی کارخانه‌ها، کشاورزان و جهاد کشاورزی است که باید با یکدیگر هماهنگ شوند. این موضوع حتی برای صادرات هم باید انجام شود. اگر تصمیم گرفتیم که محصول مشخصی را صادر کنیم، آنگاه دیپلماتی خارجی، گمرک، سردخانه‌ها و انبارهای مناسب‌سازی‌شده و... باید وارد شوند. برای مثال، در حال حاضر در دزفول استعداد پرورش گل و فروش آن بسیار خوب است، ولی نه انبارش، نه فرودگاه قابل قبول و نه هوپامی مناسب برای صادرات گل که آن را به‌موقع به‌مصرف‌کننده برساند، وجود ندارد. اینها قابل انجام است ولی مدیریت قوی نیاز دارد که البته همه آن نیز در قالب یک دستگاه نمی‌گنجد. شاید نیازمند ورود مجلس باشد، به سیاست خارجی نیاز داشته باشد. در هر صورت برای همراهی زارعان باید تمام مؤلفه‌های زنجیره ارزش هماهنگ باشند. هرکدام از این عوامل در این مدار خوب کار نکند، ضرر و زیان آن متوجه کشاورز خواهد شد و کشاورز حاضر نخواهد بود را به برنامه پیشنهادی تغییر الگوی کشت پیروی کند. برای ایجاد اعتماد می‌توان از پیش‌پرداخت‌ها استفاده کرد که کشاورز خواهد دانست مشتری این محصول وجود دارد و به کشت آن خواهد پرداخت. در کنار تمام مواردی که در بالا بیان شد، باید ترویج هم وجود داشته باشد؛ مثلا اگر قرار است کشت خشکه‌کاری برنج را به کشاورزان توصیه کنیم، حتما باید برای آن طرح‌های پایلوت ایجاد کنیم. کشاورز نباید

اقتصاد

رئیس دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین در گفت‌وگو با «شرق»

هدف انتقال‌ها صنایع است نه تأمین آب آشامیدنی

کلانتری بعدا اعتراف کرد که درباره آب و خودکفایی اشتباه کرده است



مراحل کشت، داشت و برداشت را ببیند. خب چنین شیوه کشتی تا ۴۰ درصد می‌تواند مصرف آب را کاهش دهد.

موضوع اصلی کار دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین به‌عنوان یک دانشگاه تخصصی با مجموعه وسیع از اراضی، قطعا در حوزه بهبود الگوی کشت در استان است. با توجه به مجموعه پژوهش‌های این دانشگاه و همچنین تجربه شخصی شما، بهترین جایگزین‌های کشت در استان چیست؟ پیشنهادهای مشخصی در این حوزه وجود دارد، اما باید توجه کرد که گاهی اوقات ما بر اساس میزان مصرف آب و فیزیولوژی گیاه و مباحث دیگر برخی محصولات را پیشنهاد می‌کنیم، اما ادوات و زیرساخت‌های آن در سطح استان وجود ندارد. برای مثال پیشنهاد ما این است که به‌جای ذرت، کنبج کاشته شود، اما کمباین‌های برداشت کنبج در استان وجود ندارد و باید تهیه شود.

از طرف دیگر به‌جای محصولات تابستانه بسیار آب‌بری همچون هندوانه و خربزه، پیشنهاد ما کاشت ماش است یا می‌توان حتی لوبیا کاشت. این موارد هم مصرف آب نسبتا زیادی دارند، اما از هندوانه و خربزه خیلی کمتر است. بنابراین این گزینه‌ها قابل جایگزین‌کردن هستند. ما حتی برای طرح ۵۵۰ هزار هکتاری هم به سازمان برنامه‌وبودجه پیشنهاد دادیم که شاید لازم باشد الگوی کشت این تغییر کند. برنامه‌ریزی این طرح برای ۲۰ سال پیش است یا می‌تواند در حال حاضر با تغییرات اقلیم احتمالا لازم است تغییری در آن صورت گیرد. شاید لازم باشد بخشی از اینها را تبدیل به باغات و نخیلات کنیم، اما در کنار آن باید توسعه کارخانه‌های فرآوری نخیلات را داشته باشیم که می‌تواند شامل شکلات، شیریه، غذای دام و... باشد. دانشگاه درنهایت می‌تواند توصیه‌های علمی را که ناشی از تجربه سایر نقاط دنیا یا پژوهش‌های دانشجویان در همین دانشگاه است، ارائه دهد و سیاست‌گذاری با جهاد کشاورزی است. البته باید اذعان داشت که آن قدر افراد متعدد و ذی‌نفعان مختلف در زنجیره ارزش تولیدات کشاورزی وجود دارند که هماهنگی بسیار سخت است و امیدوارم که جهاد بتواند این کار را انجام دهد؛ اما به هر حال برای خروج از این بحران لازم است یک الگوی کشت متناسب با شرایط موجود برای اراضی استان خوزستان تهیه شود. با توجه به شرایط آب‌وهوای خوزستان امکان توسعه کشاورزی برای آن بسیار وجود دارد. درحال حاضر در بسیاری از محصولات، استان خوزستان در رتبه اول قرار دارد و ما نه‌تنها باید این کشاورزی را حفظ کنیم؛ بلکه در کنار آن باید محیط زیست را هم مورد توجه قرار دهیم؛ یعنی

حقابه کشاورزی و محیط زیست را به صورت توأمان ببینیم. بی‌توجهی به محیط زیست و ندیدن آن در نهایت به بحران‌های زیست‌محیطی آتی منجر خواهد شد. این را هم اشاره‌کنم که یکی از مزیت‌های نسبی استان خوزستان گیاهان دارویی است. بخش‌های شمالی استان این استعداد را دارند که با استفاده حداقلی از منابع آب بتوانیم تولید گیاهان دارویی با ارزش‌افزوده بسیار زیاد داشته باشیم. این هم البته همچنان نیازمند آن است که زنجیره ارزش آن در استان دیده شود و تأسیساتی مثل اسانس‌گیری، کارخانه‌های فرآوری و امکانات صادرات آن فراهم شود. این گزینه قطعا می‌تواند به کشاورزان کمک کند تا از کشت محصولی مثل سیب که بسیار آب‌بر است، به سمت گیاهان دارویی حرکت کنند. نکته مهم آن است که گیاهان دارویی می‌توانند چالش کاهش منابع آبی در بسیاری از مناطق ایران و نه‌فقط خوزستان را جبران کنند.

شما تغییر اقلیم را مقصر اصلی بحران آب در خوزستان معرفی کردید. این شرایط در آینده چه پیامدهایی برای استان خواهد داشت و برای مدیریت آن چه باید کرد؟ اساسا مسئولان استان چقدر باید نگران پیامدهای تغییرات اقلیمی باشند؟

به طور کلی در‌ساره تغییر اقلیم باید توجه داشته باشیم که برخی از تغییرات قابل مدیریت خواهد بود و برخی دیگر قابل مدیریت هستند. مثلا ما می‌توانیم گیاهانی را پیدا کنیم که با شرایط جدید سازگار باشد؛ اما این منوط به وجود آب است. اگر آورد آب در استان به طور درخور توجهی کاهش پیدا کند، احتمالا با کاهش سطح زیر کشت هم مواجه خواهیم شد، مثلا سطح زیر کشت برنج امسال حدود صد هزار هکتار بود که تقریبا نیمی از سطح زیر کشت سال ۹۸ را شامل می‌شود. این یعنی آب نیست که بکاریم. بنابراین تغییر اقلیمی علاوه بر اینکه ممکن است موجب کاهش سطح زیر کشت شود، حتی ممکن است ما را به تغییر الگوی کشت مناسب با شرایط خاص در آن منطقه بدهد. نکته مهم آن است که استان خوزستان بتواند منابع آبی خود را در سطح موجود حفظ کند که این موضوع با توجه به اینکه منابع آبی استان خارج از آن قرار دارد، با دشواری‌هایی همراه است. به هر حال اگر ما سطح منابع را حفظ کنیم، تغییرات اقلیم چالش جدی برای استان نخواهد بود و می‌توان با کمترین مخاطره آن را مدیریت کرد. پس مسئولان استان باید مراقب باشند که انتقال آب به استان‌های دیگر از یک میلیاردی که الان شما می‌فرمایید، به دو میلیارد و سه میلیارد و بیشتر نرسد، چراکه یک میلیارد مترمکعب آب کمی نیست و سطح درخور توجهی از اراضی خوزستان را می‌تواند زیر کشت ببرد. ما ۸۰ هزار هکتار نیشکری که در خوزستان داریم و می‌گوییم چقدر آب‌بر است، دوونیم میلیون هکتار آب مصرف می‌کند که بخش اعظم شکر کشور نیز از همین منابع تأمین می‌شود.

یکی دیگر از پیامدهای تغییر اقلیم برای استان خوزستان افزایش شوری است که خود را نشان می‌دهد؛ پس سه عاملی که موجب تنش گیاه می‌شوند، شامل گرما، رطوبت و شوری باید مدنظر قرار گیرد تا بتوانیم گیاهانی را جایگزین کنیم که سازگاری کافی با شرایط جدید داشته باشند. بااین‌حال بهترین شیوه مواجهه با تغییرات اقلیم می‌تواند افزایش راندمان آب باشد.

اگر ما بتوانیم راندمان آب را از ۳۰ درصد به ۶۰ تا ۷۰ درصد افزایش دهیم، عملا یعنی آب ما دو برابر شده است؛ بنابراین می‌توانیم تا حدودی ایسن کمبود آب را جبران کنیم.

ادامه از صفحه اول

مشارکت‌پذیری دولت

چرا در چنینش کابینه و انتخاب استانداران و مدیران مؤثر چنین شیوه‌ای اتخاذ نشد؟ جواب ممکن است این باشد که رئیس‌جمهور در کادر اصلی اداره کشور لازم است از وفادارترین افراد به خودش استفاده کند تا بتواند به برنامه‌ها و وعده‌هایش به مردم جامه عمل ببوشاند. این پاسخ هرچند به‌طور کلی می‌تواند منصفانه و درست باشد ولی طبیعتا بخشی از وعده‌های ایشان توجه به قومیت‌ها و رشد و توسعه مناطق محروم بوده که قاعدتا یکی از روش‌های این توجه استفاده از افراد توانمند و شایسته برای سمت‌های ملی و استانی از اقوام و مذاهب استان‌های محروم کشور است و نکته دیگر اینکه انتظار می‌رود در انتخاب بین افراد هم‌جهت و همراه در گرایش سیاسی به دو، سه سال مهم‌تر دانش و اطلاعات تخصصی، تجربه و توان مدیریتی در آن حوزه و توان و روحیه مشارکت‌پذیری از ظرفیت‌ها، علایق و سلاقی مختلف توجه لازم به عمل آید. مثلا در انتخاب استانداران لازم است توجه شود که تجربه سابقه مدیریتی، بخنکی و قدرت تعامل با طیف‌های مختلف جامعه یک اصل مهم است که اگر مورد عنایت قرار نگیرد، آن استان ضعیف اداره می‌شود، از مدیران ضعیف‌تر هم استفاده می‌شود، مدیران توانا هم بی‌انگیزه و سازمان‌های غیردولتی و افراد خوش‌فکر و توانمند آن استان هم بی‌تفاوت می‌شوند. همین مطلب قرار گیرند که به نوعی دیگر مصداق دارد اما در راستای مشارکت‌پذیرشدن دولت و گسترش فضای همکاری و تعامل با گروه‌ها و افراد مؤثر و سرمایه‌های اجتماعی و نیروهای خوش‌فکر و دلسوز نسبت به نظام و مردم نکات ذیل پیشنهاد می‌شود؛ امید است که مورد توجه و عنایت قرار گیرد و حسب صلاح‌دید توسط رئیس‌جمهور و معاون اول محترم مورد تأکید واقع شوند.

۱- تشکیل اتاق فکر و مشورت در هر وزارتخانه یا سازمان با حضور وزیر یا رئیس سازمان به عنوان میزبان و با شرکت چند نفر از وزرا یا مدیران و افراد صاحب‌نظر و مطلع سابق آن دستگاه در صورت امکان به‌طور ماهانه یا حداقل دو ماه یک بار برای طرح و بررسی مسائل و برنامه‌های مهم آن دستگاه. ۲- تشکیل اتاق فکر شورای مشورتی در هر استانداری با حضور و میزبانی استاندار و دعوت از تعدادی از استانداران و انگیزه و علاقه‌مند سابق استان با گرایش‌های مختلف سیاسی به صورت هر دو ماه یک بار در استان یا تهران. نکته مهم در هر دو مورد بالا باور وزیر و استاندار به اهمیت و ارزش تشکیل این اتاق و برخورد فعال با مباحث و نظرات پیشنهادی و سعه صدر و گشودگی برای بهره‌برداری از راهکارها و بهره‌یز از هرگونه برخورد تشریفاتی با این جلسات است. ۳- تاکید بر اطلاع‌رسانی درست و صادقانه، در گزارش عملکرد، اقدامات و فعالیت‌ها به جامعه و در سال به گروهی از مخاطبان خاص از افسراد مطلع و صاحب‌نظر یا متعامل با دستگاه و سازمان مربوطه و درخواست اظهارنظر و نقد از طرف آنان. ۴- استفاده از ظرفیت و توانمندی سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی و مردم‌نهاد برای پایش و رصدکردن شاخص‌های عملکردی وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها از جهات گوناگون از جمله مسائل زیست‌محیطی، توجه به تحول اداری و نوآوری به به نظام شایستگی و همچنین ارزیابی بهره‌وری و اثربخشی فعالیت‌هاست تا صرفا به گزارش رسمی و اداری مسئولان اکتفا نشود. به‌عنوان مثال انجمن بهره‌وری ایران می‌تواند پایش این زاویه را در صورت پیش‌بینی تمهیدات لازم عهده‌دار شود و سازوکار مناسبی را فراهم کند.

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای ش ۷۴ – ۱۴۰۰ پروژه احداث شبکه ۲۰ کیلوولت در ضلع شرقی شهرک صنعتی فیروز کوه ۲

شرکت شهرکهای صنعتی تهران در نظر دارد مناقصه عمومی خدمات(پروژه احداث شبکه ۲۰ کیلوولت در ضلع شرقی شهرک صنعتی فیروز کوه)به شماره (۰۵۱۰۰۰۷۴/۲۰۰۰۰۰) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به پیمانکار واجد صلاحیت و دارای گواهینامه های صلاحیت پایه ۵ رشته نیرو از سازمان برنامه و بودجه کشور و تایید صلاحیت ایمنی امور پیمانکاری از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی واگذار نماید.کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند .

– مبلغ بر آورد اولیه بر اساس فهرست بهای کالا و عملیات سرمایه ای و بهره برداری سال ۱۴۰۰ شرکت توزیع برق استان تهران : (۳۱۰/۳۷۸/۲۶ ریال)

– مبلغ تضمین شرکت در مناقصه : (۴۶۶/۹۱۵/۳۱۸ریال)

– محل پروژه : کیلومتر ۱۲۰ تهران –فیروز کوه، بعد از شهر فیروز کوه ، سمت چپ شهرک صنعتی فیروز کوه تلفن : ۷۶۴۴۰۳۳

– تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۲۵ / ۷ / ۱۴۰۰ می باشد .

– مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت : از تاریخ ۲۵ / ۷ /۱۴۰۰الی ساعت ۱۶ تاریخ ۸/ ۹ /۱۴۰۰

– مهلت زمانی ارائه پیشنهاد : تا ساعت ۱۶ تاریخ ۲۳ /۸ /۱۴۰۰

– پاکت الف حاوی اصل ضمانتنامه بانکی می بایست علاوه بر بازگاری ، به صورت فیزیکی تا ساعت ۱۴ تاریخ ۲۳ /۸ /۱۴۰۰ در دبیر خانه شرکت ثبت شده و تحویل داده شود .

– زمان بازگشایی پاکت ها : ساعت ۱۰ صبح تاریخ ۲۵ /۸ /۱۴۰۰

– محل گشایش پیشنهادها:دفتر معاونت فنی شرکت شهرک های صنعتی تهران

– اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت الف : نشانی سهروردی شمالی کوچه شهید محبی پلاک ۲ طبقه ۴ معاونت فنی و تلفن : ۰۲۱-۸۸۷۶۱۰۳۸

www.tehraniecir و پایگاه ملی اطلاع رسانی: **http://iets.mporg.ir**

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه : مرکز تماس ۰۲۱-۴۱۹۳۴ داخلی ۴ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷

شناسه آگهی ۱۲۰۶۰۴۷ شرکت شهرکهای صنعتی تهران م الف ۲۴۲۸